



آنچه از فرصت‌های مطالعاتی می‌آموزیم

گزارش میزگرد روز جبر، خانه ریاضیات اصفهان، ۹ آذرماه ۹۶

سعید اعظم، رئیس جلسه *

دکتر امیر هاشمی:

من با ذکر این نکته شروع کنم که کشوری مانند استرالیا اعزام دانشجوی به خارج را با ایران شروع کرد ولی در سال ۱۹۹۰ این روند را متوقف کرد ولی ما از این زمان به بعد به استرالیا دانشجوی اعزام کرده‌ایم و هنوز هم روند اعزام دانشجوی از ایران متوقف نشده و به جایگاهی که باید نرسیده‌ایم. این موضوع نشان دهنده این است که فرصت‌ها و موضوع اعزام دانشجوی به خارج باید تا حد ممکن هدفمند باشد که بتواند در درازمدت نتایج خوبی داشته باشد. با کمی اغراق، اولین فرصت مطالعاتی در تاریخ ایران به شکل رسمی حدود ۱۴۴ سال پیش توسط ناصرالدین شاه با سفری به چند کشور اروپایی آغاز شد. تقریباً در همان زمان امپراطور ژاپن، می جی هم چنین مسافرتی را به اروپا انجام داد. ره‌آورد سفر می جی، تعریف سه مأموریت برای سه گروه بود. گروه اول مأمور بررسی نظام آموزش و پرورش چند کشور مطرح اروپایی برای ایجاد تحول در آموزش و پرورش ژاپن بود. گروه دوم را مأمور بررسی قانون اساسی این کشورها و نحوه کشورداری کرد و گروه سوم را هم مأمور کرد تا صنایع جدید در این کشورها را فرا گیرند تا زمینه‌های رشد و توسعه در ژاپن را فراهم کنند. در ادامه او ژاپن را به ۸ قسمت تقسیم کرد و در هر قسمت ۲۰۰ مدرسه، ۳۰ دبیرستان و یک دانشگاه تأسیس کرد. اما ره‌آورد سفر ناصرالدین شاه به اروپا در واقع با الگو برداری از سالن نمایش آلبرت هال و سالن نمایش در لندن، تأسیس تکیه دولت بود و با الهام از رقصنده‌های اروپایی تأکید کرد خانم‌ها دامن چین دار بپوشند و برای حرمسرای خود دستور وارد کردن سرسره به ایران را صادر کرد. در واقع همین الان هم ره‌آورد خیلی از سفرهای خارجی ما مشابه ناصرالدین شاه است با شکل و قالب متفاوت. البته در تاریخ و فرهنگ ایران هم کسانی بوده و هستند که ره‌آوردهای متفاوتی از سفرهای خارجی داشته‌اند. برای مثال حسن رشدیه تقریباً همزمان با ناصرالدین شاه زندگی می‌کرد. او متولد ۱۲۲۹ در تبریز بود. او یک سفر به بیروت رفت و در دارالمعلمین

س ۱۰: فرصت‌های پژوهشی مسأله‌ای است که در واقع همه ما چه به عنوان عضو هیأت علمی و یا دانشجوی دکتری به نحوی با آن درگیر هستیم، حال آنکه چندان به آن نمی‌پردازیم یعنی مسائل مختلف آن را مورد تأمل و بررسی قرار نمی‌دهیم. در ابتدا باید گفت که فرصت‌های مطالعاتی به معنای آکادمیک آن، قدمت تاریخی دارد. همه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دنیا از این فرصت‌ها استفاده می‌کنند، ولی موضوع فرصت‌های علمی شش ماهه که از طریق دولت در اختیار دانشجویان دکتری قرار داده شده است، موضوعی است که آن قدمت فرصت‌های مطالعاتی استادان در ایران را ندارد. به همین خاطر پیشنهاد شد که موضوع فرصت‌های مطالعاتی بطور اعم و فرصت‌های شش ماهه دانشجویان به طور اخص مورد بحث قرار گیرد. اجازه دهید با معرفی اعضای میزگرد شروع کنیم. آقای دکتر مسعود پورمهدیان از دانشگاه امیرکبیر و رئیس پژوهشکده ریاضیات پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (IPM) هستند. ایشان هم به دلیل تجربه عضو هیأت علمی بودن و هم به دلیل تجربه‌ای که در IPM در مراودات بین‌المللی دارند، دعوت شده‌اند. خانم دکتر ملیحه یوسف‌زاده عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان هستند. ایشان در زمان دانشجویی از فرصت مطالعاتی استفاده کرده‌اند و ظاهراً آخرین فردی هم هستند که در رشته ریاضی در استان اصفهان از فرصت مطالعاتی اعضای هیأت علمی استفاده نموده‌اند. آقای دکتر امیر هاشمی عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان نفر بعدی هستند که هم خودشان تجربه بسیار زیادی از سفرهای مطالعاتی دارند و هم چندین دانشجو داشتند که از فرصت پژوهشی استفاده کرده‌اند. آقای دکتر احسان ممتحن عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج هم به صورت ویدئو کنفرانس در میزگرد شرکت می‌کنند. ایشان در دوره دانشجویی از فرصت پژوهشی دانشجویی استفاده کرده‌اند و در این زمینه تجربه‌های بسیار خوبی دارند. نخست نظر اعضای میز و سپس آراء حاضران را درباره موضوع میزگرد می‌شنویم:

کشورهای پیشرفته در مدارسشان صداقت علمی را تمرین می‌کنند و یک دانش‌آموز وقتی می‌خواهد یک گزارش علمی ارائه کند حتماً باید منابع آن را ذکر کند. نکته دیگر آشنایی با شیوه پژوهش در ساختارهای دانشگاهی کشورهای پیشرفته است. یک جمله معروف از پال اردوش است که «ریاضیدان ماشینی است که قهوه را به قضیه تبدیل می‌کند»، در واقع زمان قهوه خوردن در خارج یک زمان خیلی مهم و ارزش برای تبادلات علمی است. آخرین نکته‌ای که خواستم اشاره کنم تجربه آرامش آموزشی و پژوهشی در کشورهای پیشرفته است که می‌تواند در ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش در کشور ما مؤثر باشد.

دکتر ملیحه یوسف‌زاده:

تحقیق و پژوهش به معنی کشف آن چیزهایی است که وجود دارند ولی از چشم‌ها باز مانده‌اند. وظیفه یک محقق دست‌یابی به این نادیده‌هاست. یک محقق تجربی برای تحقیقاتش نیازمند به یک آزمایشگاه مجهز است و به طور مشابه ذهن یک ریاضی‌دان آزمایشگاه اوست و قطعاً برای اینکه کارهای تحقیقاتی خوبی انجام دهد باید ذهن و یا در واقع آزمایشگاهش را به بهترین نحو تجهیز کند. دانش، خلاقیت، آرامش و تمرکز چهار رکنی هستند که در این آزمایشگاه باید وجود داشته باشند. حال اگر این آزمایشگاه تجهیز شد، به چه طریقی می‌توانیم یک تحقیق خوب انجام دهیم؟ اولین چیزی که مهم است طرح مسأله پژوهشی است. یک پژوهش با کیفیت، وابسته به یک سؤال خوب است. تعاملات بین‌المللی از یک طرف در تعریف یک مسأله خوب پژوهشی اثرگذار است و از طرف دیگر پژوهشگر را با فرهنگ‌های علمی مختلف آشنا می‌کند. در زمان دانشجویی، وقتی برای اولین بار از فرصت مطالعاتی استفاده کردم، بدو ورود کارگاهی در دانشگاه اوتاوا برگزار بود و استادی که من پیش ایشان بودم به من توصیه کردند که موقع ناهار و شام حتماً حضور داشته باشم. خیلی تأکید کردند و گفتند در آن زمان است که بیشتر فرصت برای صحبت با بقیه ریاضی‌دان‌هایی که الان شرکت کرده‌اند، وجود دارد. نکته دیگر این که هر محقق برای خودش یک سطح پژوهشی دارد که سعی می‌کند تحقیقاتش از این سطح پایین‌تر نیاید. کیفیت یک کار پژوهشی را این سطح پژوهشی تعیین می‌کند و تعاملات بین‌المللی می‌تواند برای این توقع، یک استاندارد خوب ایجاد کند. اما نکته خیلی مهمی که باید حتماً به آن توجه شود، زمان استفاده از فرصت مطالعاتی است.

فرصت مطالعاتی ترجمه کلمه sabbatical به معنی a rest from work است، یعنی استراحت بعد از کار. در واقع فرصت مطالعاتی

که تأسیس فرانسوی‌ها بود، حضور پیدا کرد و هدف خود را یادگیری شیوه‌های جدید آموزش کودکان قرار داد. بعد از آن باز در یک سفر مطالعاتی به استانبول پایتخت عثمانی رفت و در آن جا هم یک سری دوره‌هایی را گذراند و برای تأسیس یک مدرسه در ایران دعوت شد. زمانی که امیرالدوله صدر اعظم به تهران آمد اولین مدرسه در تبریز و بعد در تهران به طور رسمی آغاز به کار کرد. در نهایت رشديه موفق شد ۱۵ مدرسه را در ایران تأسیس کند و خیلی‌ها اعتقاد دارند که پدر فرهنگ نو در ایران حسن رشديه است.



حال به انتظارات از یک فرصت مطالعاتی می‌پردازم. چیزی که در سیستم آموزشی و پژوهشی کشور ما کمتر استقبال می‌شود، تجربه کارهای گروهی است. در واقع از همان دوران کودکی تجربه کارهای گروهی در سیستم آموزشی ما وجود ندارد. زمانی که ما به خارج از کشور سفر می‌کنیم، می‌بینیم که دانشگاهیان خیلی خوب، راحت و سریع با یکدیگر در کارهای علمی همکاری می‌شوند. ولی آئین‌نامه‌های آموزشی و پژوهشی در ایران نه تنها از کارهای گروهی استقبال نمی‌کند، بلکه در خلاف آن نیز حرکت می‌کند. دومین چیزی که باز در ایران خیلی کم رنگ و در خارج از کشور تجربه می‌شود، حضور مستمر در مجامع علمی (ملی و بین‌المللی) است، و هر کسی باید در سمینارهای دانشکده خود حضور فعال داشته باشد. این موضوع به برقراری ارتباط علمی و در نهایت به توسعه زمینه‌های جدید تحقیقاتی کمک می‌کند. نکته دیگر، آشنایی با مراکز معتبر بین‌المللی است. کسانی که به خارج می‌روند معمولاً به راحتی می‌توانند به کشورهای دیگر تردد کنند و بهتر است که دانشجویان ما از این فرصت استفاده کنند و با مراکز معتبر و نوع آموزش و پژوهش در آن‌ها آشنا شوند. موضوع دیگر این که در ایران کمتر کارهای کیفی انجام می‌شود، گاهی اوقات ما علاقه داریم یک مقاله ۲۰ صفحه‌ای را به دو تا مقاله تبدیل کنیم. ولی این نگرانی‌ها و این تفکرات در مراکز معتبر خارج وجود ندارد. حضور در فرصت‌های مطالعاتی زمینه تجربه‌های متفاوت از صداقت علمی و وجدان کاری را می‌تواند فراهم کند. البته منظورم این نیست که در ایران صداقت علمی وجود ندارد. در اغلب

فرصت مطالعاتی فردی مقاله تحقیقاتی با استاد آنجا بنویسد، باید حتماً اسم استاد داخل هم در این مقاله آورده شود. به نظر من می‌آید این قوانین که خود ما به طور مضاعف در دانشگاه‌ها ایجاد کردیم دید افراد را نسبت به دانشگاه منفی می‌کند. ترتیب آن را هم که دیده‌اید، مثلاً می‌گویند که اول اسم دانشجو باید باشد، بعد از آن اسم استاد باشد. در IPM، مدیریت آن به طور کلی و نه صرفاً بخش ریاضیات، سعی کردند قوانین زیاده‌تری بر آن چیزی که وجود دارد را اضافه نکنند. در مورد دانشجویانم که فرصت مطالعاتی رفتند، از خیلی جهات ارزیابی بسیار مثبتی دارم. اما از جنبه پیوند زدن بین کارهای تحقیقاتی جاری شان با آن کاری که آن استاد و آن شخص در آن جا از آنها خواسته است، خیلی موفق نبودند. فکر می‌کنم که چالش اصلی در فرصت مطالعاتی این است که اگر کسی بخواهد تحقیقات خودش را به کار خارج پیوند بزند، این مورد خیلی به نوع تعامل بر می‌گردد. افراد اگر شانس بیاورند در زمانی که می‌خواهند به فرصت مطالعاتی بروند، در مؤسسات تحقیقاتی معتبر در اروپا و یا در کانادا، در امریکا، برنامه‌های علمی خوبی در جریان باشد، و افراد بتوانند از این برنامه‌ها استفاده کنند. بطور خلاصه، قوانین به حد کافی پیچیده هست، ما به عنوان مؤسسه تحقیقاتی، به عنوان دانشگاه، به عنوان استاد لطفاً سعی نکنیم معادله‌ای بر این معادلات بیفزاییم. مع الوصف به نظر می‌آید که سعی کنیم فرصت‌های کوتاهی که در مؤسسات خوب خارجی هست را با چشمان باز انتخاب و شرکت کنیم. نکته دیگر اینکه در بعضی از رشته‌ها این بلوغ علمی ایجاد شده است که افراد خودشان را می‌توانند در رقابت جهانی قرار بدهند. ای کاش با وجود چنین افرادی، فرهنگ پسا دکتري در همه دانشگاه‌ها جا می‌افتاد و افراد بعد از فراغت از دوره دکتري می‌توانستند دو سال، سه سال از این فرصت‌ها استفاده نکنند.

دکتر کامران دیوانی‌آذر (دانشگاه الزهرا): از نظر من پایان سال چهارم دوره دکتري تازه فرد برای رفتن آماده است. غیر از این باشد اینجا کار تحقیقاتی نکرده است. یعنی اسماً نام سازمان ما هست ولی کارش را یکی دیگر کرده است.

دکتر محمدمهدی ابراهیمی (دانشگاه شهید بهشتی): من سفارش می‌کنم، در فرصت مطالعاتی در کنار کاری که با استادان انجام می‌دهیم، چیز جدید هم یاد بگیریم و اینجا بیاوریم. البته آن چیزی که را که بلد هستید باید تقویت بیشتری کنید. در مورد مقالات داخل کشور هم توصیه من این است که حتماً اسم استاد باشد.

دکتر غلامرضا بهبودی (محقق پسادکتري بنیاد نخبگان): بنده به مدت نه ماه فرصت مطالعاتی را در دانشگاه اتاوا گذراندم. این فرصت به دو قسمت تقسیم می‌شود، بخش علمی پژوهشی و یک بخش

دوره‌ای است که محقق در آن باید به یک آرامش ذهنی جهت آمادگی برای فعالیت‌های بعدی خودش دست یابد. دانشجوی دکتري که در فرصت مطالعاتی به سر می‌برد باید ابتدا برای انجام رسالت بالا بردن سطح دانشش با شرکت در کلاس‌ها و سمینارها تلاش کند و پس از آن برای پروژه پژوهشی‌اش برنامه‌ریزی کند. می‌تواند روی پروژه قبلی اش کار کند، و یا پروژه مشترکی را با استاد میزبانش شروع کند. به علاوه در خلال کارهای تحقیقاتی، نکات زیادی را می‌آموزد. دانشجویان و همه محققانی که در یک گروه تحقیقاتی هستند به صورت اخلاقی موظف هستند که در سمینارهایی که به طور هفتگی و یا ماهیانه برگزار می‌شود شرکت کنند و با افراد دیگر هم فکری کنند.

حالا به این موضوع بپردازیم که برای یک دانشجو، چه زمانی جهت استفاده از فرصت مطالعاتی مناسب‌تر است. طبق قوانین، اگر یک دانشجوی دکتري، بعد از دو ترم تحصیلی که دروسش را می‌گذراند، بتواند امتحان جامع را با موفقیت پشت سر گذارد، محدودیت نمره زبان نداشته باشد، و همچنین بتواند در ترم چهارم پروپوزالش را هم به تصویب برساند، یک سال فرصت دارد که اقدام کند و او تازه باید درگیر این مسأله بشود که کدام کشور برود؟ به چه صورتی ویزا بگیرد و ... و این مسأله تمرکزش بر مسأله پژوهشی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نکته‌ای که خیلی امیدوار هستیم که در آئین‌نامه‌های بعدی اصلاح شود این است که محدودیت زمانی برای استفاده از فرصت مطالعاتی برداشته شود. باید دقت داشته باشیم که ماهیت رشته‌ها با هم متفاوت است، نباید برای تمامی رشته‌ها قوانین یکسان وضع شود.



دکتر مسعود پورمهدیان:

همان‌طور که اشاره شد طول فرصت مطالعاتی دانشجویان شش الی نه ماه است. در این رابطه سه کتگوری مهم است، یکی بحث ویزا و این موارد است، دوم قوانین وزارت علوم است و سوم موضوعی است که کم یا زیاد به ویژه در دانشگاه‌ها اخیراً داریم مشاهده می‌کنیم. یک مثال بزنم، در دانشگاه صنعتی امیرکبیر این قانون وجود دارد که اگر در

بشود. من اعتقاد دارم به جای اینکه وزارت علوم بخش نامه ایجاد کند و مرتب بخش نامه به دانشگاه‌ها بدهد، به یک ستادی تبدیل شود که به حل مشکلات دانشگاه‌ها کمک کند. ایجاد یک مرکز بین‌المللی در دانشگاه International Center واقعاً ضروری است. هم برای رفتن از این طرف به خارج از کشور و هم برای افرادی که از خارج از کشور می‌آیند، این ضرورت دارد. البته این مرکز با اداره روابط بین‌الملل دانشگاه خیلی فرق می‌کند. International Center یک مرکزی است که هر کسی که یا به نوعی بین‌المللی است یا می‌خواهد فعالیت بین‌المللی کند باید به آن جا برود و تسهیلات بگیرد. روابط بین‌الملل ما الان بیشتر به دنبال این است که مسائل ارتباطات مدیریتی را با خارج از کشور حل بکند.

عباس دره‌گزنی (دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان): در دوره فرصت به کشور اسپانیا رفتم. در تلگرام کسانی بودند که یک الی دو ماه از فرصت مطالعاتی‌اشان در کشور اسپانیا گذشته بود، به بقیه در همه زمینه‌ها کمک می‌کردند، شبکه‌های اجتماعی واقعاً می‌تواند کمک بکند. حتی ما یک کانالی درست کرده بودیم که تمام آدرس‌های مورد نیاز، از دارالترجمه تا نحوه بلیط خریدن، بیمه و مواردی که مورد نیاز است در آن بود.

دکتر ممتحن (به صورت ویدیو کنفرانس):

قوانینی که ما برای رفتن دانشجویهایمان گذاشتیم، گاه انقدر دشوار می‌شوند که دانشجو نمی‌تواند تصمیم بگیرد که کجا می‌خواهد برود، حتی نمی‌تواند تصمیم بگیرد که به یک کشور انگلیسی زبان می‌رود یا نه، بعد هم در ۶ ماه از او بخواهید پژوهش کردن را یاد بگیرد، مقاله منتشر کند. خلاصه کنم، من خودم از هیچ یک از کشورهای انگلیسی زبان نتوانستم ویزا بگیرم. این بود که به آلمان رفتم، پیش روبرت ویسباور. او داشت روی کتاب Corings and Comodules کار می‌کرد. به لحاظ پژوهشی ما باهم هیچ مبادله فکری نداشتیم، فقط در مورد کتاب قبلی او گاهی از او سؤال می‌کردم ولی این کتاب دوم را که همان زمان داشت با توماس برزینسکی می‌نوشت من متأسفانه در جریان اش قرار نگرفتم. پیشنهاد می‌کنم اگر خارج از کشور رفتید، زبان آن کشور را به اندازه‌ای که می‌توانید یاد بگیرید. در مورد بازدید از جاهای دیگر هم که گفته شد، من خودم مثلاً موزه لوور را سه بار دیدم. الان در تدریس تاریخ ریاضی خیلی به دردم می‌خورد. مثلاً در مورد مصر باستان که حرف می‌زنم، بسیاری از شواهد آنها را دیدم. نکته آخر راجع به پاورپوینت آقای دکتر هاشمی است، یکی از بهترین دوران انتقال دانشجو برای تحصیل و برگشتن دوران رضا شاه بوده است. خیلی از افراد برجسته‌ای که برگشتند و دانشگاه تهران

فرهنگی اجتماعی. از لحاظ علمی و پژوهشی برای من مزایای زیر را داشت: شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی، سمینارهای هفتگی، شرکت در چندین کلاس درس، و انجام یک پروژه تحقیقاتی با استاد میزبان. امتیاز بعدی از لحاظ بعد اجتماعی و فرهنگی زندگی در یک محیط جدید، با یک فرهنگ جدید کنار مردمان جدید بود و مخصوصاً سفرهایی که برای دیدن مکان‌های دیدنی انجام دادم.

دکتر مریم شمس سولاری (دانشگاه پیام‌نور): من به آلمان دانشگاه هامبورگ رفتم و با پروفیسور رام کار کردم. در کنفرانس جبر خطی سایام امریکا شرکت کردم که خیلی کنفرانس خوبی بود و بزرگان جبر خطی در این کنفرانس شرکت کرده بودند. من کار نیمه‌تمامی داشتم و آن جا سعی کردم از استادهایی که بودند، بپرسم.



خرقانی (دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان): من به دانشگاه لیون فرانسه رفتم، دو تا School و سمینار خیلی خوب داشتند که شرکت کردم. در دانشگاه اصفهان اخیراً دانشجو امکان خروج از کشور را تا پایان ترم ۸ دارد. من زمانی که در دوره ارشد بودم سه course به زبان انگلیسی گذراندم، اجباری بود، در این کلاس‌ها یاد می‌دادند که به چه صورتی با یک استاد خارجی تعامل کنیم، به چه صورتی ایمیل به انگلیسی بنویسیم، به چه صورتی CV تهیه کنیم، که فکر می‌کنم این یک امتیاز مثبتی هست که بقیه دانشگاه‌ها هم در نظر بگیرند. نکته دیگری هم که در فرانسه دیدم اینکه دانشجویها را خیلی به سمینارها و کنفرانس‌های خارجی می‌فرستادند.

دکتر علی رجالی (دانشگاه صنعتی اصفهان): ما در دانشگاه‌های ایران باید یک مرکز بین‌المللی وجود داشته باشد، که استادان و دانشجویهای ایرانی که می‌خواهند به خارج از کشور بروند، بتوانند از تسهیلات این مرکز استفاده بکنند. مواردی که مطرح کردند مانند زبان آموزی، برخورد‌های اجتماعی و فرهنگی که باید یک نفر ایرانی در خارج از کشور داشته باشد این‌ها را آموزش بدهند و به اصطلاح پروتکل‌های بین‌المللی بودن را به دانشجویان و استادان آموزش بدهد. از آن طرف به تسهیلاتی که برای این‌ها باید فراهم شود، کمک کند. واقعیت قضیه این است که دانشجویان آنقدر با درس‌های ویزا و مسائل داخلی دیگر روبرو هستند که تمام وقتشان باید صرف این نوع مسائل

یک عضو هیئت علمی، وضعیت استخدامی رسمی قطعی است. در آئین‌نامه‌های قبلی یک شخص می‌توانست بعد از سه الی چهار سال رسمی قطعی بشود و بتواند از فرصت مطالعاتی اش استفاده کند حتی زمانی که استاد یار است. ولی آئین‌نامه ارتقاء تغییر کرد، در صورتی که آئین‌نامه فرصت مطالعاتی تغییر نکرد. یعنی یک عضو هیأت علمی اول باید دانشیار شود تا بتواند رسمی قطعی شود و وقتی که رسمی قطعی شد بتواند از فرصت مطالعاتی استفاده کند. اگر ما بتوانیم این را هم به آموزش عالی پیشنهاد دهیم که اگر آئین‌نامه ارتقا تغییر می‌کند، آئین‌نامه فرصت مطالعاتی هم به نسبت آن تغییر کند، قطعاً برای اعضای هیأت علمی ما خیلی مناسب خواهد بود.

دکتر امیر هاشمی:

خیلی خوب است که کسانی که به فرصت می‌روند در واقع برای دیدن مراجع علمی بروند. مراجع علمی کسانی هستند که در رشته‌های تخصصی که ما کار می‌کنیم reference هستند، سخنران‌های اصلی کنفرانس‌ها، کسانی که کتاب دارند و در آن رشته آدم‌های معتبری هستند. دقت بکنیم که ما پیش چه کسی می‌رویم. این خیلی می‌تواند اثر گذار باشد. پس در انتخاب دانشگاه و استاد که گفتیم دقت کنید. اگر به یک کشور انگلیسی زبان بروید بی شک در پذیرش‌های علمی آینده دانشجوی خیلی مؤثر خواهد بود. ببینید در حالت کلی ما دو تا نگرش در فرصت مطالعاتی داریم، یکی اینکه یک کاری با استادی که در ایران وجود دارد و استاد خارجی و دانشجوی به شکل مشترک انجام بشود، بخشی که در خارج است ادامه تری است که در ایران است. این از دیدگاه من هدف مهمی است که در فرصت به آن توجه شود، همکاری علمی بین‌المللی در راستای پایان نامه دکتري باشد. اما نوع دوم آن این است که در واقع دانشجوی خارج می‌رود و یک کاری جدا از تر انجام می‌دهد. از نظر من بهتر است که آن استاد خارجی به نوعی با این پایان‌نامه هم مرتبط باشد. چه کار کنیم که این کار انجام شود؟ زمانی که می‌خواهیم پروپوزال بنویسیم، این فرصت مطالعاتی هم در ذهنمان باشد و ارتباطی را شروع بکنیم که دو سال بعد از آن به یک چنین چیزی بینجامد. در هر حال، از دیدگاه من اگر یک دانشجوی به خارج از کشور برود، همین که وارد آن فضا بشود، وارد یک دانشگاه دیگر، یک کشور دیگر شود، این به ما این امیدواری را می‌دهد که زمانی که برگشت به نحوی در مطالبات علمی ما تأثیرگذار باشد و انشالله در آینده دانشگاه‌های علمی تر و academic تری داشته باشیم.

را تأسیس کردند، مانند پروفسور هشترودی، علی افصلی پور، علی نقی وحدتی، پروفسور تقی فاطمی، این افراد همه در زمان رضا شاه رفتند و تحصیل کردند و جالب است که من یک مطالعه‌ای که می‌کردم همه برگشتند. چطور می‌شود که نسل‌های کنونی ما که می‌روند، اغراق نکنم، بالای ۵۰ درصد می‌مانند و بر نمی‌گردند. این را اضافه کنم بهتر نمی‌بود که به جای اینکه ما در دوره دکتري به خارج از کشور برویم، بعد از دکتري اجازه می‌دادند که برویم. یعنی استرسمان کمتر بود، ترمان را نوشته بودیم، دکترایمان را گرفته بودیم. حالا اگر می‌رفتیم با یک احساس آرامش بیشتری می‌توانستیم شروع کنیم.

دکتر مسعود سبزواری (دانشگاه شهرکرد): تقریباً از هر کسی که پرسیم چرا به فرصت مطالعاتی می‌روید، ترجمه حرفشان این است که می‌خواهند منبع مقاله آینده‌شان را تأمین بکنند. یعنی ما به نحوی نیاز اصلی و base را متأسفانه روی مقاله گذاشته‌ایم. زمانی که در سال ۹۰ می‌خواستیم برای فرصت مطالعاتی پیش پروفسور مرکر که از قبل مدتی با ایشان بصورت ایمیلی کار می‌کردم بروم، ایشان موضوعی را برای من فرستاد، شاید جالب باشد، the beautiful art of mathematical writing هنر زیبای ریاضی نویسی. حدود ۱۰۰ روز با ایشان روی این موضوع کار کردم و دیدم واقعاً نیاز داشتیم، بدون اینکه کسی به من گفته باشد که به mathematical writing نیاز دارم. ما واقعاً از فرصت مطالعاتی چه می‌خواهیم؟ آیا فقط به دنبال این هستیم که آینده تولید مقاله در کشور را تأمین بکنیم، یا نه چیزهای دیگری هم داریم که باید تأمین بشود، موضوعاتی هم در کنارش مثل فرصت مطالعاتی معکوس باید مطرح شود، ما الان فقط داریم راجع به این صحبت می‌کنیم که چرا و چه راه کارها و مزیت‌هایی دارد که برویم. هیچ موقع من هیچ‌جا در هیچ دانشگاهی حالا به جز در IPM ندیده‌ام یک قسمت عمده‌ای را اختصاص بدیم که از شخصی دعوت کنیم که یک ماه به داخل بیاید و فرصت مطالعاتی معکوس باشد. شاید در واقع چالش نیازسنجی بتواند در خیلی از موارد حداقل به ما کمک بکند به جاهای بهتری برسیم.

دکتر مژگان محمودی (دانشگاه شهید بهشتی): ما باید به سوغاتی که قرار است از فرصت مطالعاتی برای آیندگان و کشورمان بیاوریم به دقت توجه بکنیم. مورد دیگر اینکه علاوه بر کار پژوهشی خود، به قوانین آموزشی و پژوهشی محل فرصت مطالعاتی و تعاملاتی که وجود دارد، توجه کنیم.

دکتر ملیحه یوسف‌زاده:

مسأله بعدی این است که لازمه استفاده از فرصت مطالعاتی برای